

قم شروع کرد



من درباره جوان‌های قم، هم خاطرات دارم، هم اطلاعات متعدد و فراوانی دارم. قبل از آنکه مبارزات در سال ۴۱ و ۴۲ اوج بگیرد، اینجا ما نشانه زبرکی جوانان قم و هوشمندی آنها را مشاهده کردیم. من فراموش نمی‌کنم در همین جلوی کوچه حرم یا آن طرف خیابان، کوچه ارگ، کیوسک روزنامه‌فروشی بود؛ خبرهای روزنامه‌ها را در آنجا می‌زدند. ماها از درس که برمی‌گشتیم، می‌ایستادیم تیر تیر این روزنامه‌ها را نگاه می‌کردیم. وقتی در مساله انجمن‌های ایالتی و ولایتی، دولت طاغوت مجبور به عقب‌نشینی شد و آن تصویب‌نامه را باطل کرد، من دیدم این جوان‌هایی که حول و حوش همین کوچه حرم و توی خیابان ارم بودند - که این جوان‌ها را غالباً می‌دیدم و هیچ تصور نمی‌کردیم که اینها با اندیشه سیاسی و مسائل سیاسی سر و کاری داشته باشند - آمدند به ما گفتند ما موفقیت روحانیت را در مقابل دولت طاغوت به شما تبریک عرض می‌کنیم. جوانان قمی که به حساب ظاهر برکنار بودند، به ما طلبه‌ها که هیچ آشنایی هم با هم نداشتیم، می‌آمدند تبریک می‌گفتند.

من از همان وقت به ذهنم رسید که این چه روحیه‌ای در جوان قمی است - دانشجو که آن وقت در قم نبود، جوان دانش آموز یا حتی غیر دانش آموز؛ جوان بیکار - که نسبت به مساله مبارزه و نهضت و پنجه درافکندن روحانیت با دولت طاغوت، اینجور حساس است. بعد که مسائل سال ۵۶ پیش آمد، قم خودش را نشان داد؛ حقیقتاً به معنای واقعی کلمه، رهبری حرکت مردم در خیابان‌ها و حضور در میدان‌ها و ایستادگی در مقابل پنجه‌های چدنی و خشن دستگاه را قم شروع کرد. همین جوان‌های قمی آمدند توی خیابان‌ها، خون‌هاشان بر زمین ریخته شد؛ البته مأمورین نظام طاغوت را حسابی هم اذیت کردند؛ آن زبرکی جوان‌های قم و شیطنت آنها، مأمورین را حسابی سردرگم هم می‌کرد.

بعد مساله انقلاب پیش آمد. همه جا قم در صف مقدم بود. این لشکر علی‌بن‌ابی‌طالب جزو لشکرهای موفق در دفاع مقدس و در خطوط مقدم بود. در همه امتحان‌های بزرگ، قمی‌ها از عهده امتحان خوب برآمدند؛ صف مقدم هم جوان‌ها بودند. من می‌خواهم شما جوان امروز که احساس دارید، اندیشه دارید و شور و شعور دارید، این شناسنامه پرافتخار نسل جوان قمی را از چند دهه پیش به این طرف در مقابل چشم داشته باشید.

قمی‌ها در انقلاب نقش آفرینی کردند. در دفاع مقدس نقش آفرینی کردند؛ بعد از تمام شدن جنگ - بویژه بعد از رحلت امام بزرگوار که سایه ایشان از سر ما کوتاه شد - نقش آفرینی جوان‌های قمی بارزتر هم بوده است، این نکته مهمی است. توجه بکنید، از سال‌های آخر دهه اول انقلاب به بعد دشمنان انقلاب و جبهه دشمنان با استفاده از کارشناس‌های ایرانی سیاستی را طراحی کردند - چون غیر کارشناس‌های ایرانی به این نکته توجه پیدا نمی‌کردند؛ کسانی که طرف مشورتشان قرار می‌گرفتند ایرانی بودند - و آن سیاست این بود که از قم آنتی‌تز انقلاب درست کنند، یعنی همان‌طور که انقلاب از قم جوشید، یک ضد انقلاب هم از قم به وجود می‌آورند. قم حوزه روحانیت است. حوزه علمیه ظاهراً در قم است اما این جمع حوزوی در معنا در همه کشور منتشر است. این طلبه قمی که در قم ساکن است، در شهر خود، در روستای خود صاحب نفوذ است. از سرتاسر کشور در اینجا جمعند. آن روزی که افراد این حوزه برای تعطیلی یا برای کاری به منازل خود می‌روند، معنائش این است که حوزه در سرتاسر کشور منتشر می‌شود. پس هر فکری در اینجا است، هر ایده‌ای در اینجا است، هر عزم و اراده‌ای در اینجا است، هر حرکت و جهت‌گیری‌ای در اینجا است. در واقع در سرتاسر کشور یک امتدادی دارد. این را بیگانه‌ها نمی‌فهمیدند؛ آمریکایی‌ها نمی‌توانستند این حقیقت را تحلیل کنند. این را یک خودی، یک ایرانی، یک آشنا به طبیعت روحانیت می‌توانست بفهمد. این را به آنها یاد دادند، لذا سعی کردند در قم زمینه‌فتنه را فراهم کنند. من چون نمی‌خواهم از کسی اسم بیاورم، اسم نمی‌آورم و عبور می‌کنم. در همان سال ۵۸ و ۵۹، هم مردم قم، هم مردم تبریز حماسه آفریدند؛ نه فقط حماسه آمدن توی میدان و مشت گره کردن، بلکه حماسه معنوی، حماسه شعور، حماسه تحلیل درست. بعد از رحلت امام هم به شکل دیگری همین اتفاق در قم افتاد. اینجا هم مخالفین و دشمنان - عمدتاً دشمنان بیرون مرز؛ اصل آنها نبودند - طراحی کرده بودند که بتوانند این آنتی‌تز را در اینجا به وجود بیاورند. اگر قمی‌ها غافل بودند، اگر جوان‌های قم از تحلیل عاجز بودند، اگر آن هوشمندی لازم را نمی‌داشتند، مشکلات بیش از اینها می‌شد؛ این حقیقت امر است. این بیان واقع نسبت به مجموعه جوان در قم است. ۱۳۸۹/۰۸/۰۴ (بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم)

به دومین شهر مذهبی ایران و اولین پایگاه شیعی در این کشور تبدیل کرد. پس از وی سادات و امامزادگان زیادی به قم و اطراف آن چون آوه و کاشان آمدند. اهالی قم از راه‌های مختلفی با امامان شیعه در ارتباط بوده‌اند. از طرفی مردم قم نیز که مضر بودند و جویات شخصی شان را به امامان معصوم برسانند، از واسطه‌هایی برای این کار استفاده می‌کردند و همین موضوع باعث جدی‌تر شدن ارتباط میان آنها و اهل بیت می‌شد. هنگامی که علی بن مهزیار در نامه‌ای خبر اوضاع نابسامان قم را به امام جواد(ع) رساند، آن حضرت از خداوند برای اهالی قم نجات و رهایی را درخواست کرد. همچنین مردم قم با امام هادی(ع) هنگامی که در سامرا بود ارتباط برقرار می‌کردند. متوکل تصور می‌کرد آنان سلاح به سامرا می‌برند. از این رو مأمورانی را در کمین این کاروان‌ها می‌نهاد تا اموالشان را مصادره کنند. تعدادی از شاگردان امام هادی(ع) نیز از مردم قم بودند. امام هادی(ع) مردم قم را به جهت آنکه از همان زمان به زیارت امام رضا(ع) می‌رفته‌اند، آمیزده دانسته است.

حضور برخی اصحاب ائمه و عالمان شیعی در قم را از عوامل گسترش تشیع در این شهر دانسته‌اند. ابواسحاق قمی، زکریا بن آدم و احمد بن اسحاق از آن جمله‌اند. ابواسحاق قمی، اولین کسی است که احادیث کوفیان را در قم نشر داده است. احمد بن اسحاق را قافله‌سالار و شیخ قمیین نامیده‌اند. شیخ صدوق از جمله عالمان شیعی بود که در قم ساکن شد. کتاب تذکره مشایخ قم از ۱۱۲ راوی و دانشمند قمی نام برده که نام آنان در یکی از کتاب‌های رجال کشی، رجال نجاشی، رجال طوسی، فهرست طوسی، خلاصه الاقوال و فهرست شیخ منتجب‌الدین آمده است. همچنین تاریخ قم از ۲۶۶ و ریاض‌المحدثین از حدود ۶۶۰ عالم و بزرگ قمی نام برده‌اند. حوزه علمیه قم از بزرگ‌ترین حوزه‌های علمیه جهان اسلام برای تعلیم و تربیت طلاب علوم دینی، متأثر از همین فضا در قم شکل گرفت. بر اساس گزارش‌های تاریخی پیشینه آن به قرن دوم هجری قمری برمی‌گردد. از قرن دوم هجری قمری، جلسات درس و بحث محدثان در قم برگزار می‌شده است. محدثانی همچون زکریا بن آدم، اسحاق بن عبدالله شعری و سهل بن یسع اشعری در این شهر پرورش یافتند. حسین بن روح (در گذشته ۳۳۶ق) کتابی در فقه تألیف کرد و آن را برای ارزایی به حوزه حدیثی قم فرستاد. همچنین در این دوره عالمان قمی آثاری مانند من لا یحضره الفقیه نوشتند. از این دوره تا زمان شیخ مفید به مکتب حدیثی قم یاد می‌شود. از زمان شیخ مفید حوزه علمیه قم رونق خود را از دست داد تا اینکه در سال ۱۲۰۱ ش شیخ عبدالکریم حائری در قم مستقر شد و حوزه علمیه قم در دوره جدید را بنا نهاد. در اوایل دهه ۲۰ شمسی با مستقر شدن آیت‌الله بروجردی در قم حوزه این شهر رونق یافت. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ باعث تحولی بزرگ در سراسر ایران و بویژه قم شد. انقلاب کمک کرد ساختارهای حوزوی دیگری نیز در کنار حوزه علمیه برای تربیت طلاب در این شهر به‌وجود بیاید.



از قم «قدرت» منتشر شد

در دوم فروردین سال ۱۳۴۲، شاه به خاطر بی‌اعتنایی مردم، حوزه علمیه را به خاک و خون کشید. ۱۵ خرداد سال ۴۲ و در حالی که بیش از ۲ روز از عاشورا نگذشته بود رژیم، امام خمینی را شبانه دستگیر می‌کند. مردم قم همین که از موضوع اطلاع پیدا می‌کنند به اطراف منزل امام هجوم آورده و با سر دادن شعار «یا مرگ یا خمینی» خشم و نفرت خود را علیه رژیم ابراز می‌کنند و که به راهپیمایی عمومی مبدل شده و مردم در حرم حضرت معصومه - سلام‌الله‌علیها - تجمع می‌کنند و خواستار آزادی امام می‌شوند که با گلوله‌های عوامل شاه مواجه می‌شوند. اقدامات انقلابی مردم قم دیگر بار پس از شهادت فرزندان امام خمینی حاج آقا مصطفی در سال ۱۳۵۶ و پخش مقاله توهمین آمیز در تاریخ ۱۰۷/۱۳۵۶ در روزنامه اطلاعات نمود یافت که در پی این عمل، مردم و طلاب قم خشمگین شده و در ۱۹ دی تظاهرات شدیدی را ضد رژیم پهلوی به راه انداختند. این حرکت نیز با اقدام مسلحانه رژیم شاه همراه شد. در نگاه بسیاری از تحلیلگران، این تظاهرات‌ها و راهپیمایی‌ها که سلسله‌وار پس از قم در سراسر ایران بر پا شد، مقدمه انقلاب اسلامی شد.



خداوند سرکشان را بر آنان مسلط می‌کند. هان! اهل قم یاری دهندگان قائم ما هستند و به حق ما دعوت می‌کنند. زهرا، بهترین شهرها، سالم‌ترین مواضع؛ از امیرمؤمنان، علی بن‌ابی‌طالب (ع) درباره سالم‌ترین و بهترین شهرها و مواضع، به هنگام ظاهر شدن شمشیرها و نازل شدن فتنه‌ها سوال شد. حضرت فرمودند: «سالم‌ترین نقاط در آن روز شهر قم است. زمانی که در خراسان اغتشاش روی دهد و میان مردم گرگان و طبرستان جنگ درگیرد و سیستان خراب شود، در آن زمان، سالم‌ترین مواضع، شهر قم است. قم شهری است که از آنجا یاران بهترین مردم از جهت پدر و مادر، جد و جد و عمو و عمه بر می‌خیزند. آن شهر، زهرا نامیده شده است.» شهر انصار، حرم اهل بیت، شهر پر برکت، قطعه‌ای از بیت‌المقدس، بحر، معدن شیعیان، بلد امین و... از دیگر نام‌ها و اوصافی است که برای قم عنوان شده است.



نگاهی کوتاه به پیشینه و اهمیت شهر حضرت فاطمه معصومه (س) در تاریخ شیعه

قم مرجع



احمد بن محمد بن اسحاق همدانی در کتاب «البلدان» خود یادآور شده است؛ از آنجایی که شهر قم را قمسار بن لهراسب بنا کرده، بدین نام خوانده شده است. در بعضی از نقل‌های تاریخی نیز بنای شهر قم را به بهرام گور نسبت داده‌اند و می‌گویند، هنگامی که قباد ساسانی پیش هیاطله می‌رفت، چون به شهر قم رسید، آنجا را بسیار خراب دید. علت را پرسید، گفتند: بر اثر حمله اسکندر خراب شده است. پس از بازگشت، قباد دستور آبادانی آنجا را داده و به نام «پوران آبادان کرد کواد»، یعنی خراب و ویران بود و قباد آن را آباد گردانید، نامیده شد.

یکی از اولین مواجهه‌های مردم قم، در دوران پس از ظهور اسلام با مامون، یکی از خلفای عباسی است. مردم قم در سال ۲۱۰ ق از پرداخت خراج به خلیفه عباسی سر باز زدند و علیه او شورش کردند. همچنین در سال ۲۱۵ ق مردم قم دست به شورش زدند و حاکم عباسی را از شهر بیرون کردند. مامون سپاهی فرستاد و شورش را سرکوب کرد. در اوایل خلافت معتصم نیز مردم قم دست به شورش زده و حاکم شهر را بیرون کردند. معتصم لشکری روانه قم کرد. لشکر او خسارتی به این شهر وارد کرد. معتضد در دوران خلافتش، حکمرانان غیرشیعی را به قم فرستاد. قمی‌ها حکمرانان وی را از شهر بیرون کردند، وی ابراهیم بن کلیخ

«من از عواطف هموطنی‌های خودم، قمی‌ها آشکر می‌کنم! من قبلاً گفته بودم که از قم «علم» منتشر می‌شود، از قم «قدرت» منتشر شد. قم نمونه بود و من مفتخرم که در قم هستم. من پانزده سال - یا قدری بیشتر - از شما دور بودم لکن دلم اینجا بود.» (صحیفه اسام، ج ۶، ص ۲۷۷). در سال‌هایی که در پی سکوت بسیاری از مجامع علمی و دینی، می‌رفت که ایران، به کلی اسلام مکتبی و عقیدتی را فراموشی بسیاری، چه تائیری عجیب در تاریخ گذاشت. در سال ۱۳۴۱ که شاه ایران با سفر به آمریکا دستورهای لازم را برای اجرای انقلاب سفید خویش گرفت، در ۱۹ دی از مردم خواست تا در انتخابات نمایشی شرکت کرده و برای اجرای اهداف آمریکایی شاه به لایح پیشنهادی رأی بدهند که در اینجا نیز شهر مقدس قم با هدایت و رهبری امام خمینی(ره) این رأی‌گیری را تحریم کرد و به مخالفت با آن پرداخت. محمدرضاشاه پهلوی در سال ۱۳۴۱ به منظور جلب اعتماد علمای حوزه و فریب مردم به قم سفر کرد و پس از آنکه در ۴ بهمن سال ۴۱ در میدان آستانه از اتومبیل خود پیاده شد در حالی که از میان مردم و علما استقبال کننده‌ای نداشت از همانجا بازگشت.



قم در حدیث اهل بیت

علامه بزرگوار شهید قاضی نورالله شوشتری درباره جایگاه قم در روایات اهل بیت(ع) می‌گوید: «خیاری که در فضیلت قم و اهل قم از رسول خدا(ص) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) روایت شده، فراوان است.» که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. در حدیثی که از امیرالمؤمنین به نقل از پیامبر(ص) روایت شده، ایشان فرمودند: «هنگامی که به آسمان چهارم برده شدم، به گنبدی از لؤلؤ که ۴ رکن ۴ و داشت و گویا از حریر سبز بود نگریدم، گفتم: جبرئیل این گنبدی که بهتر از آن را در آسمان چهارم ندیده‌ام چیست؟ جبرئیل گفت: این صورت شهری است که بدان قم گویند.»

سرزمین نجیبان؛ شخصی به نام حماد گفته است؛ «به همراه جماعتی در حضور امام صادق(ع) بودیم که عمران بن عبدالله قمی وارد شد. امام از او احوال‌پرسی کرد و خوشحالش کرد. وقتی او برخاست و رفت، به ابی عبدالله عرض کردم: این چه کسی بود که با او اینگونه خوش‌رفتاری کردید؟ امام فرمودند: او از جمله خاندان نجیبان، یعنی اهل قم است. هیچ‌گاه گردنکشی از طاغیان نسبت به آنان سوءقصد نمی‌کند، مگر اینکه خداوند او را در هم می‌شکند.»

حجت بلاذ: امام صادق(ع) فرموده‌اند: خداوند به شهر کوفه بر دیگر شهرها و به مردمان آن مسلمان بر غیر آنان از ساکنان شهرها احتجاج کرده است. خداوند به شهر قم به سایر شهرها به واسطه اهالی آن به تمام ساکنان شرق و غرب از جن و انس احتجاج کرده است. خداوند اهل آن را مستضعف نمی‌گذارد، بلکه توفیق‌شان می‌دهد و تأییدشان می‌کند. زمانی می‌آید که شهر و اهل قم به دیگر مردم جحندند و آن در زمان غیبت قائم ما است تا ظهور او.»